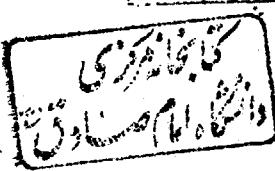
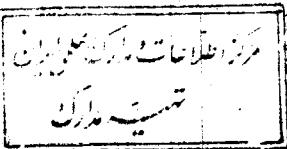


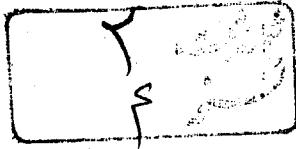
۱۴/۲/۱۳۷۶



باسمہ تعالیٰ

دانشگاه امام صادق (ع)

دانشکده تبلیغ و معارف اسلامی



خطابه و تحولات آن در اسلام

پایان نامه کارشناسی ارشد

استاد راهنمای: دکتر غلامحسین ابراھیمی دینانی

استیضاحا: دکتر محمد خوانساری

دکتر محمد خوانساری      حجۃ الاسلام عبدالله نورانی

نگارش از: علی اکبر ضیائی

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته

معارف اسلامی و تبلیغ

۱۳۶۸ ، ۲۷

۷۵۶۹۱۸

V/VI

# چکلروه

خطابه اسلامی از نظر عملی تحت تاثیر عصر جاهلی بود و تحولاتی که در آن عصر در قرن های اول و دوم هجری داده شد بیشتر به موضوعات خطابه ارتباط داشت، تا به سبک و اسلوب بیانی آن و همچنانکه خواهد آمد، سبک بیانی خطابه در عصر جاهلی همچنان تا عصر عباسی ادامه داشت. اما گسترش حوزه حکومت اسلامی و برخورد مسلمانان با ملل مختلف دنیا و تاثیر و تاثر آنها در یکدیگر سبب شد که علاوه بر موضوعات، سبک بیانی خطابه از یک نثر ساده و بی پیرایه ادبی و نثر سیاسی اجتماعی و دینی تغییر یابد و خطابه نقش مهمی را در اعتلای فرهنگ اسلامی و توسعه آن در جهان ایفا نماید.

سخنوران زبردستی که در عصر اسلامی پا به عرصه وجود گذاشتند آنچنان خلاقیتی از خود در انواع سخنوری، به جز سخنوری قضایی، نشان دادند که هریک از آنان با دموستان و سیسرون برابری می کردند.

بحث از خطابه در یونان و روم نیز ضروری است، زیرا آنچه که امروزه به عنوان فن خطابه شناخته شده دستاورده از کوشش ها و ابتكارات معلم اول است. معلم اول نیز خود تحت تاثیر سوفسطائیان – سخنوران ماهر یونان – بود. اینان فن سخنوری را از دانشمندان سیسیل چون کوراکس و تیسیاس آموخته بودند و همچون بازاریان دوره گرد منابع خویش را که همان اصول و مبانی فن سخنوری بود به مردم یاد می دادند.

ارسطو با مطالعه آثار تدوین شده در فن خطابه و دقت در خطابه های سخنوران ماهر عصر خویش اصول و مبانی این فن را پایه گذاشت، اما رومیان این فن را بدون تغییر پذیرفتند و بعداً زظهور عیسی علیه السلام سریانیان آن – خطابه ارسطو – را به زبان سریانی ترجمه نمودند.

سریانیان به خطابه و جدل بیش از برها، مقالله، و شعر اهمیت می دادند و فراگیری این دو فن را مغایر با اصول مذهب مسیحیت نمی دانستند و اصلاً منطق را به جدل و خطابه می شناختند. در عصر عباسی مقارن با ورود علوم یونان و ترجمه آنها به زبان عربی فن خطابه ارسطو از سریانی به عربی ترجمه شد و در اختیار فیلسوفان و مبتکران اسلامی قرار گرفت. آنان هریک به سه هم خود در تبیین و شرح خطابه ارسطو همت گماشتند و تقریباً بدون دخل و تصرف در مباحث آن را پذیرفتند و تنبیه راتی در مثالها بوجود آوردند که فهم مطالب آن برای مسلمانان آسان باشد. در این تحقیق به

(۶)

فعالیت هریک از این دانشمندان چون فارابی، ابن سینا، ابن رشد، و خواجه نصیرالدین طوسی و بسیار اروپائیان از آثار فارابی و بطور کلی مسلمانان اشاره شده است.

مباحث فن خطابه در جهان امروز چیزی جز تکمیل و ترجمه خطابه ارسسطو نیست. مسلمانان نقش مهمی در روشن کردن مباحث و پروراندن اصول و مبانی آن ایفا نموده اند. در این تحقیق، علاوه بر این مباحث، فن خطابه نیز به صورت مفصل تبیین شده است.

حلیده

با سمه تعالی

دانشکده تبلیغ و معارف اسلامی مسئول عقا یدی که نویسنده محترم در این پایان نامه

اظهار کرده است نمی باشد %

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان	
۳		پیشگفتار
		کلیات
۷	(۱) تعریف لغوی خطابه	
۷	(۲) تعریف اصطلاحی خطابه	
۱۰	(۳) منفعت خطابه	
۱۲	(۴) وجوده‌اشتراک و افتراق خطابه و جدل	

### فصل اول

#### خطابه در یونان

۱۵	(۱) قبل از عصر پریکلس
۱۷	(۲) عصر پریکلس یا سرآغاز شکوفائی فن خطابه
۱۹	(۳) تدوین فن خطابه
۲۱	(۴) سوفسطائیان
۲۷	(۵) دموستن
۳۰	(۶) سقراط
۳۳	(۷) افلاطون
۳۵	(۸) افلاطون و خطابه
۴۲	(۹) ارسسطو
۴۴	(۱۰) ارسسطو و خطابه

### فصل دوم

#### خطابه در روم

### فصل پنجم

۷۵	خطابه در صدر اسلام
۷۶	مقدمه
۷۶	(۱) تاثیر قرآن کریم در خطابه
۷۹	(۲) تاثیر حدیث در خطابه
۸۱	(۳) فتوح و سیاست و تاثیر آن دو در خطابه
۸۲	(۴) بی‌رونقی شعر و شاعری در صدر اسلام و تاثیر آن در خطابه
۸۳	خلاصه
۸۴	(۵) موضوعات خطابه در صدر اسلام
۸۶	(۶) علی بن ابی طالب (ع) و جامعیت خطب او
۸۹	(۷) موضوعات سیاسی
۹۰	(۸) جنگ و صلح
۹۱	(۹) آداب و ویژگی های خطابه در صدر اسلام
۹۴	(۱۰) خطیبان بزرگ صدر اسلام

### فصل ششم

#### خطابه در عصر اموی

۹۸	مقدمه
۹۸	(۱) مقایسه بین خطابه در عصر اموی و صدر اسلام
۱۰۱	(۲) خطیبان بر جسته این عصر

### فصل هفتم

#### خطابه در عصر عباسی

۱۰۵	مقدمه
-----	-------

- ۱۰۵ (۱) علل بی‌رونقی خطابه
- الف . آمیزش با ایرانیان و ملل دیگر
- ب . گسترش حکومت‌وجایگزین‌شدن رساله به جای خطابه
- ۱۰۶ (۲) چگونگی خطابه در عصر عباسی
- (۳) ترجمه، آثار ارسطو و شکل گیری و تدوین فن خطابه در میان مسلمانان
- ۱۱۳ (۴) مترجمان خطابه ارسطو در عصر عباسی
- ۱۱۴ (۵) شارحان خطابه ارسطو
- ۱۱۴ ۱- فارابی و خطابه
- ۱۱۵ آثار فارابی در فن خطابه
- ۱۱۷ ۲- ابن سينا و خطابه
- ۱۱۹ ۳- ابن رشد و خطابه
- ۱۱۹ ۴- خواجه‌نصرطوسی و منطقیان دیگر

#### فصل هشتم

- ۱۲۳ خطابه در ایران

#### فصل نهم

#### فن خطابه

- ۱۲۷ (۱) اجزاء خطابه ( کلیات )
- ۱۲۷ ۱- عمود و تعریف آن
- ۱۲۸ ۲- اعوان، تعریف و تقسیمات آن

۱۲۹ - عمود

الف. مواد قضایا در حجج خطابی

۱۲۹ (۱) مشهورات

۱۳۲ (۲) مقبولات

۱۳۳ (۳) مظنونات

ب. صور تالیف قضایا در حجج خطابی

۱۳۵ (۱) ضمیر

۱۳۷ دلیل

۱۳۷ علامت

۱۳۸ (۲) تمثیل

۱۳۹ (۳) استقراء

۱۴۱ ۲- استدرجات بر حسب قائل

۱۴۲ ۳- استدرجات بر حسب قول

۱۴۳ ۴- استدرجات بر حسب شنووندہ

۱۴۴ ۵- شهادت قول

۱۴۵ ۶- شهادت حال

۱۴۶ (۲) اقسام خطابه (کلیات)

۱۴۷ ۱- منافره

۱۴۷ ۲- مشاجره

۱۴۷ ۳- مشاوره

۱۴۸ (۳) انواع خطابه و وظایف خطیب در هر یک از آنها

مقدمة

الف . وظائف خطيب به طور کلی ۱۴۸

ب . نوع و موضع ۱۵۱

۱۵۱ ۱- انواع متعلق به منافرات

۱۵۳ ۲- انواع متعلق به مشاجرات

۱۵۶ ۳- انواع متعلق به مشاورات

الف - امور مهم ۱) دینی ۲) سیاسی ۳) اقتصادی ۱۵۶

ب - امور جزئی ۱۶۰

۱۶۲ (۴) توابع

۱۶۲ ۱- فصاحت و بلاغت سخن

۱۶۲ الف . فصاحت

۱۶۷ ب . بلاغت

۱۶۸ ۲- ترتیب سخن

۱۶۸ الف . مقدمه

۱۷۰ ب . نقل و قایع

۱۷۱ ج . خاتمه

۱۷۲ ۳- تأثیر سخن

۱۷۸ فهرست متابع فارسی و عربی

۱۸۵ فهرست متابع خارجی

از قدیمی ترین ازمنه و از ابتدایی ترین روزگاری که نوع بشر در راه تمدن و زندگی اجتماعی و تکامل گام نهاده است، امتیاز انسان و شرافت او به قوهٔ سخن و بیان شناخته شده است. در اهمیت و رفعت مقام سخن همین بس که خداوند متعال در قرآن مجید مهمترین موضوع را پس از آفرینش انسان اعطای نیروی بیان می دارد، آنجا که می فرماید:

"الرَّحْمَنُ عَلَمَ الْقُرْآنَ خَلَقَ الْإِنْسَانَ عَلَمَهُ الْبَيَانَ" ۱

هرچند خطابه و سخنوری موهبتی الهی و نعمتی خدادادی است و بیشتر تاثیر آن نتیجهٔ ذوق انسان است، با وجود این، سخنوران باید سخنان خود را بر اصول این فن منکی سازند، تا بیشتر بتوانند به مقصود خود که اقتناع و شورانگیزی است، دست یابند.

پیش از پیشرفت های صنعتی و عصر الکترونیک از جمله مهمترین وسائل تفاهم و ایجاد ارتباط میان مردم گفتار بود. به سخنانی که دارای اصول و قواعد ویژه‌ای بود و در تنظیم آنها ذوق وسلیقهٔ خاصی به کار می رفت و در مجالس عمومی برای ایجاد انگیزه ای نسبت به یک عمل ایراد می شد خطابه گفته می شد و چون عامه مردم اهل مطالعه کتاب نبودند، به مجامع عمومی چون مساجد و میادین شهر می آمدند و به سخنان خطیبان گوش فرا می دادند.

در جوامع کنونی نیز کرسی سخنرانی همچنان از اهمیت بسزایی برخوردار است. سیاستمداران، رهبران مذهبی، و ملی در پشت همین جایگاه است که به تبیین صالح کشور و اصلاح امور دینی و دنیوی مردم می پردازند. سخنوران توانا و چیره دست با سخنان مهیج خود گاهی گروهی از مردم را به انجام کاری تشویق و ترغیب و گاهی آنان را به سخت ترین کارها چون گذشت از جان و مال و فرزند دعوت می کنند، اما نه آنگونه که در دل از عاقبت کار بداندیش باشند، یا به اجراء و اکراه آن را نجام دهند، زیرا هنر سخنور در این گونه امور آن است که در روح و قلب مردم نفوذ کند و آنان را از روی طیب خاطر به مقصود خود رهنمون سازد.

در ایران منبر و خطابه همواره از برترین وسائل ارتباط جمعی محسوب می شد. خطیبان مذهبی و سیاسی در مساجد و مجالس وعظ زمام افکار مردم را در دست می گرفتند و بر روی منابر سرتوشت مردم را ورق می زدند و الان نیز چنین است. در چنین جوامعی هنوز رادیو، تلویزیون و صدها وسیلهٔ

پیشرفت‌هه امروزین نتوانسته جای منابر را پر کند و گاهی خود این وسائل در اختیار خطیبان درآمده به نفوذ و کارایی خطابه هرچه بیشتر افزوده است.

لذا این فن در اسلام و ایران اسلامی و تالیف تحقیقی پیرامون سخنوران اسلامی و کیفیت القای خطابه بوسیله آنان و چگونگی تدوین فن خطابه از یونان تا عصر اسلامی از اهمیت والایی برخور دار است. آثاری چند در این زمینه تالیف شده است، که هریک دارای مزايا و معایبی است.

مزیت کتب قدیم چون خطابه ارسسطو، ابن سینا، فارابی، ابن رشد و خواجہ نصیر الدین طوسی در طرح محکم، موجز و نسبتاً منطقی و کلاسیک آنها است، در حالیکه کتب جدید چون آیین سخنوری محمدعلی فروغی و آیین سخن پاشاصالح و غیره بیش از هر چیز به جنبه های عملی و پرانتیک این فن پرداخته اند و مباحث را بطور پراکنده و غیر منطقی بیان نموده اند.

در این تحقیق، علاوه بر بیان تاریخ خطابه از یونان تا دوره اسلامی، سعی شده است که سبک منطقی کتب قدیم و مباحث جدید روانشناسی و تجربی این فن در یکدیگر به گونه ای نوادگام شود و این فن در طرحی جدید با کارایی بیشتر ارائه گردد.

## (۱) تعریف لغوی خطابه

خطابه از نظر لغوی به معنای ایراد سخن در برابر فرد یا جماعت است، بنابراین در معنای لغوی آن حضور افرادی به عنوان شنوونده ضروری است.<sup>۱</sup> خطبه بهضم خاء نیز به همان معناست، مثلاً گفته می‌شود: **خطبَ الخطِّابَ عَلَى الْمُتَبَرِّخَ طَابَةَ** بالفتح و **خُطْبَةَ بِالْخَمْ** و این دو مصدر به معنای اسمی نیز بکار می‌رود، بنابراین به سخنی که در برابر فرد و یا افرادی ایراد می‌گردد خطبه یا خطابه اطلاق می‌شود، برخی در معنای لغوی خطابه منتشر و مسجع بودن کلام را نیز شرط دانسته‌اند<sup>۲</sup>، اما خطبه به معنای خواستگاری نیز از ماده خطب مشتق شده است، مثلاً گفته می‌شود: **خطبَ الخطِّابَ خُطْبَةَ جَمِيلَةَ** وعلت این نامگذاری ایراد سخنانی است که از طرف خطاب در برابر طرف مقابل صورت می‌گیرد.

## (۲) تعریف اصطلاحی خطابه، موضوع و غرض آن

در کتاب **الخطابة** ارسسطو در تعریف خطابه چنین آمده است: "الريطوريقة قوّةٌ تتكلّفُ الإقناعَ الممكِنَ فِي كُلِّ وَاحِدٍ مِنَ الْأَمْرِ الْمُفَرِّدَةِ"<sup>۳</sup>، یعنی خطابه صناعتی است که بوسیله آن بتوان در هر امری از امور جزئی دیگران را در حد امکان اقناع نمود، برای اینکه این تعریف روش‌تر شود، ناچاریم هریک از کلمات آن را توضیح دهیم. "ريطوريقة" معرب لفظ "Rhetorike" یونانی است که بعد در زبان رومی "Rhetorica" و در زبان فرانسوی "Rethorique" و در انگلیسی "Rethorik" یا "Rhetoric" شده است.<sup>۴</sup> وقتی این صناعت به حوزه فرهنگ اسلامی پا نهاد به "فن خطابه" معروف شد.

منظور از "قوّة" در این تعریف ملکه ای نفسانی است، که افعال ارادی بدون تکلف و تجسم از آن صادر شود، بنابراین بالاتر از قدرت و توانائی است؛ چون قدرت اقناع ممکن است در هر انسانی یافت

۱- زمخشri، جارالله محمود بن عمر، **اساس البلاغه**، به کوشش عبدالرحیم محمود ماده خطب ص ۱۱۴.

۲- نصر هورینی، شرح دیباچه القاموس، ماده خطب، ص ۶۲ - ۶۳.

۳- زمخشri ، **اساس البلاغه**، ماده خطب ص ۱۱۴.۴- ارسسطوطالیس، **الخطابه**، به کوشش عبدالرحمن بدوى، بیروت، دارالقلم، ۱۹۷۹، ص ۹.